

تحلیل اثرات سبک فرزند پروری و عمل به باورهای دینی خانواده‌ها بر ویژگی‌های فردی و اجتماعی و تحصیلی دانش آموزان

چکیده

این تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی و روش انجام آن، توصیفی از نوع همبستگی (رگرسیون) است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دوره دوم مقطع متوسطه شهر قم در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل می‌دهند (حدوداً ۱۵ هزار دانش آموز دختر و پسر). نمونه آماری پژوهش شامل ۳۷۵ دانش آموز (با توجه به جدول مورگان) هستند که به صورت خوشه‌ای-تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری آلاباما (۱۹۹۱)، پرسشنامه باورهای مذهبی (۱۳۷۹)، پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی طراحی شده توسط مک کری و کوستا (۱۹۸۵) مقیاس رشد اجتماعی واینلند و پرسشنامه عملکرد تحصیلی فام و تیلور (۱۹۹۹) بود. روایی پرسشنامه توسط اساتید تأیید و پایایی آن‌ها در حد مطلوبی گزارش شد (بیش از ۰/۷). برای تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی از جداول و نمودارهای توصیفی برای بیان ویژگی‌های دموگرافیک و توصیفی پژوهش استفاده شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های فرزند پروری و عمل به باورهای دینی خانواده‌ها بر ویژگی‌های فردی (۰/۲۳ و ۰/۱۰) و اجتماعی (۰/۳۸ و ۰/۳۶) و تحصیلی (۰/۵۶ و ۰/۱۴) دانش آموزان تأثیرگذار است. بدین صورت که هر چه سبک‌های فرزند پروری والدین، از سبک استبدادی به سمت سبک اقتدار منطقی، عملکرد تحصیلی، اجتماعی و فردی دانش آموزان بهتر می‌شود و از سوی دیگر، هر چه باورهای مذهبی دانش آموزان بهتر باشد، عملکرد تحصیلی، اجتماعی و فردی دانش آموزان بهتر می‌شود. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند زمینه بهبود عملکرد تحصیلی، اجتماعی و فردی دانش آموزان را به همراه داشته باشد.

کلمات کلیدی: سبک فرزند پروری، باورهای دینی، ویژگی‌های شخصیتی، رشد اجتماعی، دانش آموزان

Abstract

The purpose of this study was to analyze the effect of lifestyle on students' behavior. This research In terms of purpose, is Practical And in implementation method, is Descriptive in type of correlation (Regression). The statistical population of this study includes all second year high school students in Qom in the academic year 1399-99 (approximately 15 thousand male and female students). The statistical sample of the study includes 375 students (according to Morgan table) who were selected and studied in a cluster-random manner. The research instruments included Bamrind (1972) Parenting Styles Questionnaire, Religious Beliefs Questionnaire (2000), Neo Personality Traits Questionnaire designed by McCrery and Costa (1985), The Wieland Social Development Scale, and Pham & Taylor (1999) Academic Performance Questionnaire. The validity of the questionnaire was confirmed by the professors and their reliability was reported to be satisfactory (more than 0/7). To analyze the data in the descriptive statistics section, descriptive tables and graphs were used to express the demographic and descriptive characteristics of the research. The results of the present study showed that parenting styles and practice of religious beliefs of families affect the individual (0/23 & 0/10), social (0/38 & 0/36) and academic (0/56 & 0/14) of students. In this way that the more the parenting styles of parents, from authoritarian to logical authoritarian, the better the individual, social and academic performance of students will be. The results of the study can provide a basis for improving the academic, social and individual performance of students.

styles of the parents, from the authoritarian style to the logical authority style, the better the students' academic, social and academic performance, and on the other hand, the better the students' religious beliefs, the better the academic performance. Students' social and educational conditions improve.

Keywords: parenting style, religious beliefs, personality traits, social development, students

مقدمه

شتاب روزافزون تحول علوم در زمینه های گوناگون و گسترش اطلاعات و ارتباطات، ضرورت پرورش نیروی انسانی کارآمد و باانگیزه را که بتواند همپای این تحولات حرکت نماید، می طلبد. با توجه به نقش و اهمیت تحصیل در زندگی نوجوانان و جوانان شناسایی ویژگی های شخصیتی، تحصیلی، اجتماعی و انگیزشی این گروه از افراد برای پرورش و ارتقای افکار ضروری به نظر می رسد. اگرچه فراگیران در موقعیت های آموزشی به عنوان کارمند کار نمی کنند یا شغل خاصی در آنجا ندارند اما از دیدگاه روان شناختی، فعالیت های آموزشی و درسی آن ها را می توان به عنوان یک کار در نظر گرفت (پیرکمالی و همکاران، ۱۳۹۳). یادگیرندگان با یک هدف خاص و جهت گیری به سوی آن و حمایت اجتماعی که از سوی خانواده و محیط آموزشی و افراد مهم زندگی خود ادراک می کنند و در کلاس ها حضور پیدا می کنند. آنان با داشتن ادراک از شرایط، برای رسیدن به هدف، موقعیت آموزشی و اهداف تحصیلی و زندگی خود را شکل می دهند. به همین دلیل هدف گذاری و ایجاد شرایط مناسب برای آنان در هدایت فعالیت های تحصیلی، اجتماعی و فردی برای افزایش انگیزش، خودکارآمدی و بسیاری از فاکتورهای شناختی و رفتاری اثر می گذارد (رستمی و همکاران، ۱۳۸۹). در این راستا بهبود ویژگی های شخصیتی، تحصیلی و اجتماعی از جمله ابعاد مهم در توسعه و پیشرفت دانش آموزان است و می تواند به شکوفایی جامعه کمک کند. در این راستا برخی از محققان با جمع بندی تعاریف صورت گرفته توسط روان شناسان، دست به ارائه تعریف از شخصیت زده اند. به طور کلی می توان گفت شخصیت مجموعه ای از صفات و رفتارهایی است که فرد را توصیف می کند. شخصیت در طی زمان از تعامل عوامل وراثتی و محیطی شکل می گیرد (شیخی، ۱۳۹۱). فیست و فیست (۱۳۸۴) در کتاب «نظریه های شخصیت» عنوان می کنند شخصیت عبارت است از الگوی نسبتاً پایدار صفات، گرایش های یا ویژگی هایی که تائیدهای به رفتار افراد دوام می بخشد. به طور اختصاصی تر شخصیت از صفات یا گرایش هایی تشکیل می شود که به تفاوت های فردی در رفتار، ثبات رفتار در طول زمان و تداوم رفتار در موقعیت های گوناگون می انجامد. این صفات می توانند منحصر به فرد باشند، در برخی گروه ها مشترک باشند یا کل اعضای گونه در آن سهیم باشند ولی الگوهای آن ها در هر فرد تفاوت دارد، هرکسی باینکه به طریقی شبیه دیگران است، شخصیت منحصر به فردی دارد. ساختار شخصیت بر اساس الگوهای مختلف تبیین شده است، بر اساس نظریه نئو ویژگی های شخصیتی از ۵ مؤلفه تشکیل می گردد. این ۵ ویژگی شخصیت عبارت اند از: روان نژندی^۱، برون گرایی^۲، باز بودن^۳، توافق^۴ و وجدانی بودن^۵ (صاحبی، ۱۳۸۸). الگوی پنج عاملی شخصیت با پشتوانه های نظری، تجربی و پژوهشی از معتبرترین و مشهورترین مدل های شخصیت

۱ - neuroticism

۲ - extraversion

۳ - openness

۴ - agreeableness

۵ - conscientiousness

محسوب می‌شوند. این عوامل عبارت‌اند از: برون‌گردی: که یک رویکرد پراورزی به اجتماع و دنیای مادی است. ۲- سازش یافتگی: یک‌جهت‌گیری ساده و اجتماعی نسبت به دیگران بدون خصومت و دشمنی است. ۳- وظیفه‌شناسی: شامل مهارت‌ها تحت نسخه‌های تجویز شده از سوی جامعه می‌باشد که سبب تسهیل رفتارهای معطوف به هدف و وظایف فرد می‌گردد. ۴- پایداری هیجانی: حالت پایدار و رشد یافته هیجانی که منجر به واکنش‌های مناسب و شخصی به موقعیت‌های مختلف می‌شود. ۵- گشودگی به تجربه: که عبارت است از وسعت، عمق، پیچیدگی و اصیل بودن زندگی تجربی و ذهنی یک فرد (شولتز، ۱۳۸۸).

از سویی دیگر بهبود مهارت‌های اجتماعی از جمله ابعاد مهم در توسعه و پیشرفت دانش آموزان است. ارزیابی مهارت اجتماعی دانش آموزان در سال‌های اخیر مورد توجه متخصصان، روان‌شناسان و مربیان آموزشی بوده است. فرآیند رشد اجتماعی تا پایان زندگی ادامه می‌یابد؛ زیرا فرد همواره تحت تأثیر افراد و نهادهای اجتماعی قرار می‌گیرد (کارتلج، ۱۳۸۷). اجتماعی شدن مستلزم بسیاری از رفتارها مانند مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های جسمی و حرکتی، خلق و خوی، ارزش‌ها، معارف، نگرش‌ها، رفتار بهنجار و طبع و نظم است. به‌طور کلی مهارت‌های اجتماعی رفتارهای قابل قبولی هستند که فرد را قادر می‌سازند تا به طور مؤثری با دیگران تعامل داشته و از پاسخ‌های غیر قابل قبول اجتماعی اجتناب نماید (کارتلج، ۱۳۸۷). لذا برای ارتقاء کیفیت زندگی دانش آموزان می‌بایست مهارت‌های اجتماعی آنان ارتقاء پیدا کند. در ادامه مبحث و در راستای موضوع پژوهش، پیشرفت تحصیلی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن از جمله مسائلی است که توجه کارشناسان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است (بینه و سیمون^۱، ۱۹۰۵، ثرن‌دایک^۲، ۱۹۲۰، الشات و هامکر^۳، ۲۰۰۰؛ به نقل از ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۸)، زیرا دست یافتن به نتایج مثبت در زمینه تحصیل (با شناسایی و مهار عوامل تأثیرگذار بر عملکرد تحصیلی) منجر به پیشرفت همه‌جانبه دانش آموزان و جامعه می‌شود (پاتریکا^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). پیشرفت تحصیلی به توانایی آموخته‌شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی اطلاق می‌شود که به وسیله آزمون‌های فراگیری استاندارد شده یا آزمون‌های معلم ساخته اندازه‌گیری می‌شود (امینی، ۱۳۸۷).

باین‌حال و به‌طور کلی شناخت راهکارهای رشد دانش آموزان در ابعاد فردی، تحصیلی و اجتماعی دارای اهمیت و شایان توجه است. در این راستا خانواده میان افراد پیوندهایی برقرار می‌کند که منحصر به فرد هستند. دلبستگی به والدین و خواهر و برادر معمولاً مادام‌العمر است و وظیفه الگویی را برای روابط در دنیای وسیع‌تر محله، مدرسه و جامعه به عهده دارد. کودکان در خانواده، زبان، مهارت‌ها و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی فرهنگ خود را می‌آموزند و افراد در تمام سنین برای دریافت اطلاعات، کمک و تعامل لذت‌بخش به اعضای خانواده روی می‌آورند (برک، ۲۰۰۷؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۸). باین‌حال شکل‌های گوناگون، ترکیب و ساختار خانواده ممکن است بر رشد ابعاد وجودی کودکان به روش‌های متفاوت تأثیرگذار باشد. پرورش کودکان یکی از ابعاد عملکرد والدین است و مهم‌ترین اعضای این فرایند والدین هستند (غنی، کمال و عزیز، ۲۰۱۴). الگوهای عملکرد خانواده، یعنی ابعاد عملکردی خانواده در شیوه‌های فرزند پروری منعکس و به سبک‌های والدگری مربوط می‌شود.

از سویی مذهب سیستم سازمان‌یافته‌ای از باورها شامل سنت، ارزش‌های اخلاقی، رسومات، مشارکت در یک جامعه دینی برای اعتقاد راسخ‌تر به خدا یا یک قدرت برتر است (بلاغت و همکاران، ۱۳۹۵). پابندی و تعهد مذهبی نشان‌دهنده این است که یک فرد تا چه حد درگیر امور مذهبی است. فردی که تعهد مذهبی دارد به ارزش‌ها، باورها و تکالیف مذهبی خود پایبند و وفادار است و از آن‌ها

۱-Binet & Simon

۲-Thorendike

۳-Alshat & Hamker

۴.Patreka

در زندگی روزمره‌اش بهره می‌گیرد. باورهای مذهبی شیوه‌هایی مؤثر برای رویارویی با سختی‌ها، تجارب دردناک و نشانه‌های بیماری است و هم‌چنین، در زمان مشکلات و ناراحتی‌ها بر چگونگی روابط انسانی اثر می‌گذارد (قفوری و همکاران، ۲۰۱۱). از سویی دیگر معنویت از نیازهای درونی انسان است که در قلب‌ها، ذهن‌ها و در آیین‌ها، به‌ویژه آیین‌های مذهبی وجود دارد. فارو^۱ (۱۹۸۳) معنویت را متضمن بالاترین سطوح زمینه‌های رشد شناختی، اخلاقی، عاطفی و فردی می‌داند. به سخن دیگر، معنویت خود به‌تنهایی زمینه‌ای برای رشد و نگرش و نیازمند بیشترین تجربه‌های انسانی است. در این خصوص وست و وان^۲ (۱۹۹۰) ازجمله روان‌شناسان معروف، معنویت را تلاش همواره بشر برای پاسخ به چراهای زندگی تعریف کرده‌اند (به نقل از اسفندیاری، ۲۰۱۱). روان‌شناسی دین و مطالعه موضوعات معنوی در دو دهه اخیر به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است (امیدواری، ۱۳۸۸).

با این حال و به‌طور کلی، با توجه به اهمیت دانش آموزان بر توسعه جامعه و اینکه دانش آموزان آینده‌سازان هر ملتی هستند، شناخت راهکارهای پیشرفت دانش آموزان در ابعاد فردی، اجتماعی و تحصیلی می‌تواند به توسعه راهکارهای پیشرفت آنان کمک کند. در این راستا سبک‌های فرزند پروری و باورهای مذهبی خانواده می‌تواند به دانش آموزان کمک کند به‌عنوان یک عامل محیط مهم و تأثیرگذار حائز اهمیت و شایان توجه ویژه باشد و تاکنون پژوهشی به بررسی این دو متغیر خانوادگی مهم در ابعاد رشدی فرزندان برای ارائه یک الگوی کاربردی نپرداخته است، پس با توجه به تحقیقات محدود در این زمینه و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی شهر قم، هدف از پژوهش تحلیل سبک زندگی بر رفتار (فردی و اجتماعی و تحصیلی) دانش آموزان شهر قم می‌باشد. نتایج این پژوهش می‌تواند به شناخت مناسب‌ترین راهبردهای فرزند پروری و اهمیت معنویت در خانواده کمک کند و والدین را در زمینه انتخاب بهترین سبک‌های فرزند پروری یاری داده و باعث پابندی بیشتر به دستورات مذهبی در خانواده شود.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

تعریف مفاهیم و اصطلاحات

سبک‌های فرزند پروری

سبک‌های فرزند پروری به‌عنوان مجموعه‌ای از رفتارها که تعاملات والد-کودک را در طول دامنه گسترده‌ای از موقعیت‌ها توصیف می‌کند و فرض شده است که یک جو تعاملی تأثیرگذار را به وجود می‌آورد. شیوه‌های فرزند پروری یک عامل تعیین‌کننده و اثرگذار است که نقش مهمی در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودکان و نوجوانان بازی می‌کند. بحث در مورد هر یک از مشکلات فرزندان بدون در نظر گرفتن نگرش‌ها، رفتارها و شیوه‌های فرزند پروری تقریباً "غیرممکن است. هرچند روان‌شناسان و نظریه‌پردازان بر نقش والدین و شیوه‌های فرزند پروری تأکید می‌کنند. در این پژوهش سبک‌های فرزند پروری بر اساس نظر بامریند (۱۹۷۳) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. بر این اساس:

والدینی که دارای سبک اقتدار منطقی هستند کنترل ثابتی را برای فرزندانشان اعمال کرده و استقلال فرزندانشان را تشویق می‌کنند. در تأکید بر قوانین و اهمیت فرمان‌برداری و اطاعت فرزندان ثابت‌قدم هستند، رفتارهای رشد یافته از فرزندان انتظار دارند و در عین حال حقوق فرزندان را به رسمیت می‌شناسند، فرزندان خود را به صراحت و روشنی راهنمایی کرده و نظم و انضباط تربیتی آن‌ها توأم با گرمی منطقی و انعطاف‌پذیری و گفت‌و شنود کلامی است (تورنر و روس^۳، ۲۰۰۵: ۱۱۳).

^۱ Faroe

^۲ West & Van

^۳ Turner & Rose

والدین مستبد در برخورد با فرزندان خود بیشتر دستوردهنده بوده و عقیده دارند که فرزندان باید بدون چون و چرا از دستورات آنها پیروی کنند. این گونه والدین صمیمیت کمتری با فرزندان خود داشته و از تنبیه فرزندان، انضباط خشک در خانه، اطاعت بی چون و چرا، کنترل بیش از حد فرزندان استفاده می کنند (علوی اعلاء، ۱۳۹۳؛ ۱۰۶).

والدین سهل گیر محدودیت خیلی کمی را برای فرزندانشان اعمال می کنند در تأکید بر قوانین و معیارهای رفتاری سست هستند، به ندرت از فرزندان خود انتظار دارند که در کارهای روزمره خانواده شرکت کنند و به ندرت رفتار آنها را هدایت می کنند. با وجود این در گرم بودن و پاسخگو بودن بالا هستند و اجازه می دهند فرزندانشان رفتارهای خودشان را تنظیم کنند و به ندرت آنها را تنبیه می کنند (تورنر و روس، ۲۰۰۵؛ ۱۱۴).

مذهب

دین در لغت به معنای فرمانبرداری، خضوع، پیروی، اطاعت، تسلیم و جزا و در اصطلاح مجموعه عقاید و قوانین و مقرراتی است که خداوند از طریق پیامبران برای هدایت و سعادت انسانها نازل فرموده و دارای ابعاد مختلفی نظیر بعد شناختی و آموزه ای، اخلاقی، فردی، عبادی، حکومتی، اقتصادی، حقوقی و جزایی، احساسی و روانی و آرمانی است. اگر چنین دینی بدون تحریف باشد، دین حق و اگر بخشی از آن تحریف شده باشد، دین باطل نام می گیرد (رضوی، بارانی و شریفی، ۱۳۹۴؛ ۳).

گرایش به دین و معنویت، همزاد انسان است و ریشه در سرشت او دارد. دین، ندایی است که انسان آن را از درون خود می شنود و تا آدمی وجود دارد این گرایش در او باقی است. از دیدگاه پترسون نیز مذهب مجموعه ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی یا جمعی است که حول مفهوم حقیقت غایی یا امر مقدس سامان یافته است. این حقیقت غایی را می توان بر حسب تفاوت ادیان با واحد یا متکثر، متشخص یا نامتشخص، الوهی یا غیر الوهی و نظیر آن تلقی کرد (فکور، پیله ورزاده، افضل و قادری، ۱۳۹۴؛ ۵۵).

شریعت ها و مذاهب، در طول تاریخ، دارای حقیقت واحدی هستند که همان اسلام (تسلیم بودن در برابر خدا) است. اختلاف آنها نیز بر حسب درجات کمال است که در استعدادهای امت های گذشته و آینده ریشه دارد. به تعبیری شرایع مختلف مانند سال های مختلف یک دوره تحصیلی و یا مانند مراحل درمان یک بیماری است. همه مراحل درمانی که پزشک تجویز می کند، دارای هدف مشترک و واحدی است. بی گمان شرایط و زمان و طبیعت بیمار، چنین مراحل را اقتضا کرده است. از این روست که قرآن می فرماید: لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجا؛ برای هر یک از شما {امت ها} شریعت و راه روشنی قرار داده ایم. همه این شریعت ها و روش ها، راه هایی برای رسیدن به اصول و اهداف کلی هستند که فراخور استعدادهای امت ها و مقام انبیا شکل گرفته است. این راه ها مکمل هم اند، نه ناسازگار باهم. نخستین راه و روش صحیح را حضرت آدم (ع) به فرزندان خود آموخت. خداوند نیز به وسیله نوح (ع) اولین شریعت را برای هدایت انسانها نازل فرمود. آخرین و کاملترین شریعت ها نیز شریعت پیامبر گرامی اسلام (ع) است.

پیشینه پژوهش

طهماسب نژاد و ارین (۱۳۹۹) در پژوهشی رابطه معناداری بین شیوه های فرزندپروری مقتدرانه، سهل گیرانه و مستبدانه با پایگاه هویت دانش آموزان دختر نشان داد. این در حالی است که بین شیوه های فرزندپروری با دینداری دختران رابطه معناداری وجود نداشت. رشیدزاده (۱۳۹۹) نشان داد که آموزش برنامه مبتنی بر معنویت و آموزه های دین اسلام بر کاهش اضطراب تحصیلی و نیز افزایش تاب آوری تحصیلی دانش آموزان اثر گذار بوده است. خجسته و امان الهی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان رابطه پابندی مذهبی و رشد اخلاقی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به انجام رساندند. نشان داند که بین پابندی مذهبی و رشد اخلاقی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دوره دوم مقطع متوسطه شهرستان شهداد رابطه معنادار وجود دارد. فقیهی، عابدی، مصدق و انصاری (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان رابطه نگرش دینی با عملکرد تحصیلی؛ نقش میانجی تنیدگی تحصیلی در دانشجویان دانشگاه گیلان به انجام رساندند. یافته های پژوهش نشان داد نگرش دینی دارای اثر مستقیم مثبت ۰/۳۲ بر عملکرد تحصیلی و همچنین اثر غیرمستقیم مثبت به میزان ۰/۰۴۸ می باشد. بنابراین نگرش دینی علاوه بر تأثیر مثبتی که بر عملکرد تحصیلی دارد، از طریق کاهش تنیدگی تحصیلی، سبب بهبود این عملکرد در دانشجویان می گردد.

شجری و حجازی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان نقش میانجی سازگاری تحصیلی در رابطه بین سبک های فرزند پروری والدین با بلوغ عاطفی و ناگویی خلقی در دانش آموزان دختر شهر زنجان به انجام رساندند. نتایج نشان داد بین سبک فرزند پروری سهل گیر با عدم ثبات عاطفی، فروپاشی شخصیت و همچنین بلوغ عاطفی کل و همچنین بین سبک فرزند پروری مستبد با مولفه دشواری در توصیف احساسات رابطه معناداری وجود داشت. سبک مقتدر با ناگویی خلقی کل و تمامی مولفه های آن نیز ارتباط معنادار داشت. نتایج آزمون رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که هر سه سبک فرزندپروری توان تبیین برخی از مولفه های بلوغ عاطفی و ناگویی خلقی را داشتند. در نهایت سازگاری تحصیلی در رابطه بین سبک های سهل گیر و مقتدر با بلوغ عاطفی و ناگویی خلقی نقش میانجی را داشت. ثابت خواه فومنی و اخوان خدا شهری (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان نقش سبک های فرزند پروری مادران در پیش بینی مهارت های اجتماعی دانش آموزان پایه ششم دختر شهرستان فومن به انجام رساندند. یافته های پژوهش نشان داد سبک های فرزندپروری سهل گیرانه و استبدادی با مهارت های اجتماعی رابطه منفی و معنادار دارند. همچنین سبک فرزندپروری اطمینان بخش با مهارت های اجتماعی رابطه مثبت و معنادار دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد سبک فرزندپروری اطمینان بخش به صورت مثبت قادر است ۵ درصد تغییرات مهارت های اجتماعی دانش آموزان را پیش بینی کند. کلانتری و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان رابطه سبک های تربیتی والدین با تحول روانی اجتماعی دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر خرمدره به انجام رساندند. یافته های نشان داد بین سبک تربیتی سهل گیرانه با تحول روانی اجتماعی دانش آموزان دختر رابطه مثبت معنی دار وجود ندارد. بین سبک تربیتی مستبدانه با تحول روانی اجتماعی دانش آموزان دختر رابطه مثبت معنی دار وجود دارد. بین سبک تربیتی مقتدرانه با تحول روانی اجتماعی دانش آموزان دختر رابطه منفی معنی دار وجود دارد و سبک های تربیتی مستبدانه و مقتدرانه والدین، تحول روانی اجتماعی دانش آموزان را می تواند پیش بینی کند. اسمیز و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان نقش سبک های فرزندپروری والدین در عملکرد تحصیلی دانشجویان کالج آفریقایی-آمریکایی به انجام رساندند و دریافتند که سبک فرزندپروری تأثیر

چشمگیری در عملکرد تحصیلی و موفقیت دانش آموزان دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که زنان در خانواده تأثیرگذار هستند و بیشتر از مردان نسبت به مسائل پاسخگو هستند. همچنین این پژوهش همچنین نشان داد که سبک فرزندپروری مادران اهمیت بیشتر در تربیت فرزندان افزایش دارد و به رشد تحصیلی و اجتماعی بهتر آنان کمک می‌کند. سروس‌ی و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان نقش سبک‌های فرزندپروری بر یادگیری خودتنظیم دانش آموزان به انجام رساندند. این پژوهشگران دریافتند سبک فرزندپروری استبدادی در خودتنظیمی دانش آموزان در مدرسه تأثیر می‌گذارد و همچنین سبک فرزندپروری استبدادی با انگیزه، خودکارآمدی و راهبردهای شناختی در ارتباط بود و به شدت با تفکر انتقادی همبستگی داشت. گوین و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان رابطه گرایش‌های مذهبی والدین و فرزندان با افسردگی به انجام رساندند. نتایج نشان داد که افزایش گرایش‌های مذهبی در خانواده باعث کاهش میزان افسردگی در نوجوانان آنها می‌شود. جی هانگ و همکاران (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان رابطه سبک‌های والدین و اضطراب اجتماعی نوجوانان در خانواده‌های مهاجر به انجام رساندند. یافته‌ها نشان داد که در خانواده‌های مهاجر، تمایلات احساسی^۱ پدران می‌تواند اضطراب اجتماعی نوجوانان را کاهش دهد، در حالی که محافظه‌کاری بیش از حد از مادران می‌تواند آن را افزایش دهد.

مبانی نظری

تفاوت دین و دین‌داری و اثر آنها بر ویژگی‌های فردی و اجتماعی

دین‌داری (تدین) غیر از دین است. برای پرهیز از مغالطه، تفکیک دین از دین‌داری ضروری است، دین به عنوان پدیده‌ای خارجی و مستقل در نظر گرفته می‌شود، در صورتی که دین‌داری با تدین ناظر به پذیرش دین از سوی انسان‌هاست. در واقع دین‌داری (تدین) صفت و حالت انسان است که «دین» متعلق آن است. آشکار است که تحقق نفس‌الامری دین، غیر از تحقق آن در روان یا جامعه‌ی انسانی است. گفتنی است بین دین به عنوان گوهر و حیانی و دین‌داری به عنوان امر اجتماعی تمایز وجود دارد. دین‌داری یا التزام دینی یکی از مفاهیمی است که پژوهشگران علوم اجتماعی که حوزه علاقه‌شان مطالعه‌ی تجربی دین است به آن بسیار توجه کرده‌اند. در طول دو دهه‌ی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ هیچ موضوعی در مطالعات تجربی به اندازه‌ی تعیین مشخصات مفهومی دین‌داری مورد توجه قرار نگرفته است. گفتنی است مطالعات انجام شده در مورد تعریف عملیاتی دین‌داری بر دو گرایش است که عبارتند از: سنت جامعه‌شناختی، یا جمعی-اجتماعی و سنت روان‌شناختی، یا ذهنی-فردی. در میان صاحب‌نظران علوم اجتماعی دو رویکرد اصلی در مطالعه‌ی دین وجود دارد نخست رویکردی که بر بعد مناسکی و اعمال دینی تأکید کرده است، نظیر امیل دورکیم و رابرتسون اسمیت. در این دیدگاه عملکردهای مذهبی، مانند مناسک و تشریفات اهمیت اساسی در دین‌داری دارند و برای شناخت میزان دین‌داری افراد باید به همین بعد توجه زیادی شود. دوم گروهی که به جنبه‌های معنایی، ذهنی و نمادین دین توجه خاصی نشان داده و آن را پدیده‌ای بشری دانسته‌اند، نظیر گیرتی، برگرد و لاکمن. در این دیدگاه اعمال و مناسک، فرع بر نمادها و معانی هستند و نقش آنها گوشزد کردن معانی متبلور در فرهنگ است. از نظر برگرد دین معنابخش زندگی انسان است و او را از بی‌معنایی می‌رهاند پدیده‌های دیگر فقط جنبه نمادی دارند.

^۱ Emotional tendencies

این دیدگاه‌ها حاکی از آن است که دین‌داری دارای ابعاد و درجات مختلف است و هر کدام از متفکران بر بُعدی از آن تأکید کرده‌اند، اما برخی صاحب نظران دین کوشیده‌اند تا ابعاد مختلف دین را تحلیل کرده و برای میزان دین‌داری به ترکیبی از شاخص‌ها بپردازند و دیدگاه چندبعدی دین‌داری را توسعه دهند. با آن که واچ برای نخستین بار این نکته را مطرح که تجربه‌ی دینی در همه‌ی ادیان جهان دارای سه بعد است، آثار گلاک و استارک توجه پژوهشگران را به سوی تعریف چند بعدی از دین‌داری جلب کرد. آنان پنج بُعد اصلی برای دین‌داری در نظر گرفتند که عبارتند از: اعتقادی، مناسکی تجربی فکری و پیامدی شایان ذکر است که مدل‌های سنجش دین‌داری متعددی - چه از سوی دین‌پژوهان غربی و چه پژوهشگران ایرانی - وجود دارد که می‌توان چنین گفت که دین می‌تواند در انسجام بخشی، تسهیل در جامعه‌پذیری، تعریف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تحکیم عواطف مشترک، تقویت پایه‌های کنترل اجتماعی، افزایش آرامش خاطر، تقویت روحیه گروهی و همکاری و تعاون، برقراری کنش‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد و صداقت، تثبیت احساس تعهد و التزام، گسترش و تقویت مشارکت فعالانه و... نقش مؤثری ایفا کند و شاید بتوان رابطه دین و خصوصیات اجتماعی را چنین بیان کرد که پس از مشخص شدن رابطه‌ی دین و خصوصیات اجتماعی این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد که دین چگونه و از چه راه‌هایی می‌توان در ایجاد خصوصیات اجتماعی مؤثر واقع شود؟ در پاسخ به این پرسش بایستی اشاره کرد که نهادهای مذهبی می‌توانند حداقل با توسل به سه مجموعه از سازوکارها در ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی مؤثر باشند:

نهادهای مذهبی این ایده را تبلیغ می‌کنند که روابط مثبت و حسنه در میان اعضای خانواده و افراد جامعه امری قابل تحسین و ستودنی است. نهادهای مذهبی از مکانیزم‌هایی استفاده می‌کند که از آن طریق به حمایت رسمی از افراد و خانواده‌ها می‌پردازند. کلیساها و دیگر سازمان‌های مذهبی بیشتر فعالیت‌ها را برای تقویت تعامل و روابط مثبت میان اعضای جامعه سازمان‌دهی می‌کنند. از یک سو آنها از طریق حضور در مراکز مذهبی، اوقاتی را با همه می‌گذرانند و از طرف دیگر با ایجاد اردوگاه‌های خانوادگی به ارائه کمک‌های مشورتی، آموزش و پرورش و ... مبادرت می‌ورزند و فرصت‌های پیوند بین افراد را تقویت می‌نمایند. سومین مجموعه از مکانیزم‌ها، شامل نقش مذهب در ایجاد و فروبستگی در رابطه‌ای اجتماعی از طریق متصل کردن دوستان و اعضای خانواده در یک گروه اجتماعی همانند است؛ یعنی اتصال و هم بستگی بین اجزاء و عناصر یک مجموعه و نقش دین در این اتصال است. به نظر می‌رسد اعضای خانواده‌هایی که در نهادهای مذهبی همانندی شرکت دارند، احتمالاً یک سری روابط اجتماعی با سایر اعضای آن نهاد مذهبی پیدا می‌کنند. «کلمن، عنوان می‌کند که دین فروبستگی شبکه‌های اجتماعی روابط والدین و فرزندان را تقویت می‌کند. به طوری که آن روابط اجتماعی را افزایش داده، روابط خویشاوندی مثبت‌تری را نیز بهبود می‌بخشد (علینی، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

فرضیه های پژوهش

۱. سبک فرزند پروری بر عوامل فردی دانش آموزان شهر قم اثر معنی داری دارد.
۲. سبک فرزند پروری بر عوامل اجتماعی دانش آموزان شهر قم اثر معنی داری دارد.
۳. سبک فرزند پروری بر عوامل تحصیلی دانش آموزان شهر قم اثر معنی داری دارد.
۴. باورهای دینی بر عوامل فردی دانش آموزان شهر قم اثر معنی داری دارد.

۵. باورهای دینی بر عوامل اجتماعی دانش آموزان شهر قم اثر معنی داری دارد.

۶. باورهای دینی بر عوامل تحصیلی دانش آموزان شهر قم اثر معنی داری دارد.

روش‌شناسی

این تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی و روش انجام آن، توصیفی از نوع همبستگی (رگرسیون) است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دوره دوم مقطع متوسطه شهر قم در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل می‌دهند. این تعداد حدوداً ۱۵ هزار دانش آموز دختر و پسر را شامل می‌شود. نمونه آماری پژوهش شامل ۳۷۵ دانش آموز (با توجه به جدول مورگان) هستند که به صورت خوشه‌ای-تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. بدین صورت که از هر ناحیه از استان قم به صورت تصادفی ۴ مدرسه (دولتی و غیرانتفاعی) انتخاب شده و از بین دانش آموزان این مدارس به صورت تصادفی نمونه آماری انتخاب شد. در مجموع، با در نظر گرفتن احتمال ریزش پرسشنامه و عدم برگشت تعدادی پرسشنامه، نمونه ۴۰۰ نفری اتخاذ شد. از این تعداد نهایتاً ۳۸۰ پرسشنامه عودت داده شد و مورد تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش از پنج پرسشنامه استفاده شده است:

پرسشنامه فرزندپروری آلاباما (فرم کودکان):

این پرسشنامه در سال (۱۹۹۱) توسط فریک تهیه و دارای ۵ زیر مقیاس و ۴۲ عبارت می باشد که به صورت ۵ درجه ای نمره گذاری شده است. گزینه هرگز عدد ۱ و گزینه همیشه عدد ۵ را به خود اختصاص می دهد. پنج حیطه مورد ارزیابی در این مقیاس عبارتند از: مشارکت والدین، فرزندپروری مثبت، عدم ثبات در نحوه برخورد سؤالات ضعف در نظارت و تنبیه بدنی. پایایی و روایی این پرسشنامه در پژوهش سامانی (۱۳۹۰) با مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به تأیید رسید.

پرسشنامه باورهای مذهبی:

پرسشنامه معبد در سال ۱۳۷۹ به وسیله گلزاری ساخته شده است و دارای ۲۵ پرسش است که عمل (نه باور و نگرش) به باورهای دینی را اندازه گیری می کند. مواد آزمون در چهار حوزه عمل به واجبات، عمل به مستحبات، فعالیت‌های دینی (عضویت در گروه‌های دینی و غیره) و در نظر گرفتن دین در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های زندگی قرار دارد. پرسش‌های آزمون با توجه به رفتارهای دینی رایج در افراد متدین به اسلام انتخاب شده است. هر پرسش پنج گزینه دارد که از صفر تا چهار و بر اساس طیف لیکرت نمره گذاری می شود. پایایی این آزمون از روش باز آزمایی ۰,۷۶ گزارش شده است و از روش دونیمه کردن ۰,۹۱ و از روش ضریب آلفای کرونباخ ۰,۹۴ گزارش شده است (فکور و همکاران، ۱۳۹۴).

پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو:

پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو شامل ۶۰ سؤال و ۵ مؤلفه و هر مؤلفه ۱۲ گویه می باشد. سؤالات به صورت پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالفم (۰)، مخالفم (۱)، نظری ندارم (۲)، موافقم (۳) و کاملاً موافقم (۴) است. پایایی و روایی پرسشنامه نئو: مک کری و کاستا (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای بر روی ۱۴۹۲ نفر پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ برای پنج عامل روان رنجور خویی، برون‌گرایی، پذیرش، توافق و وظیفه‌شناسی به ترتیب ۰,۸۶، ۰,۸۰، ۰,۷۵، ۰,۶۹، ۰,۷۹ گزارش کردند. (سروقد و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۵).

مقیاس رشد اجتماعی واینلند:

برای اندازه‌گیری میزان رشد اجتماعی از مقیاس بلوغ اجتماعی واینلند استفاده شد. این مقیاس شامل ۱۱۷ سؤال است که از تولد تا ۲۵ سالگی و بیش‌تر را دربرمی گیرد. سؤالات به صورت نردبانی و برای هر مقطع سنی به‌طور اختصاصی تهیه شده است این مقیاس شامل هشت جنبه می‌شود که عبارت‌اند از: خودیاری عمومی، خودیاری در لباس پوشیدن، خودیاری در غذا خوردن، ارتباط، خود

جهت‌دهی، اجتماعی بودن، جابه‌جایی و تحرک و خود سرگرم سازی. این مقیاس توسط زامیاد و همکاران (۱۳۷۵) در جمعیت شهری و روستایی هنجاریابی شده است و ضریب پایایی آن ۰/۹۲. گزارش شده است.

پرسشنامه عملکرد تحصیلی:

پرسشنامه سنجش عملکرد تحصیلی دانش آموزان اقتباسی از پژوهش‌های فام و تیلور است که در سال ۱۹۹۹ تهیه کرده است و در حوزه عملکرد تحصیلی برای جامعه ایران اعتبار یابی شده است. آزمون عملکرد تحصیلی قادر است با ۲۰ سؤال، ۵ حوزه مربوط به عملکرد تحصیلی را اندازه‌گیری نماید. در پژوهش قلناش و همکاران (۱۳۸۹) روایی محتوایی پرسشنامه توسط اساتید تأیید شد و پایایی پرسشنامه با آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد.

پایایی و روایی این ابزارها، با استفاده از نرم‌افزار پی‌ال‌اس، در دو بخش سنجیده می‌شود: الف) بخش مربوط به مدل‌های اندازه‌گیری، ب) بخش مربوط به مدل ساختاری. پایایی مدل اندازه‌گیری به وسیله ضرایب بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بار عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شود که اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از مقدار ۰/۴ شود مؤید این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی در مورد آن سازه قابل قبول است (هیر^۱، ۲۰۱۲). همچنین در خصوص روایی محتوی نیز با استفاده از فرم‌های روایی سنجی CVI و CVR روایی مورد تأیید قرار گرفت. مقدار CVR با توجه به تعداد اساتید (۹ نفر)، بیشتر از ۰/۷۷ و مقدار CVI بیشتر از ۰/۸۱ به دست آمد؛ بنابراین روایی محتوی ابزار ما مورد تأیید قرار گرفت. روایی واگرا و همگرا که مربوط به معادلات ساختاری است، مورد سنجش قرار گرفت.

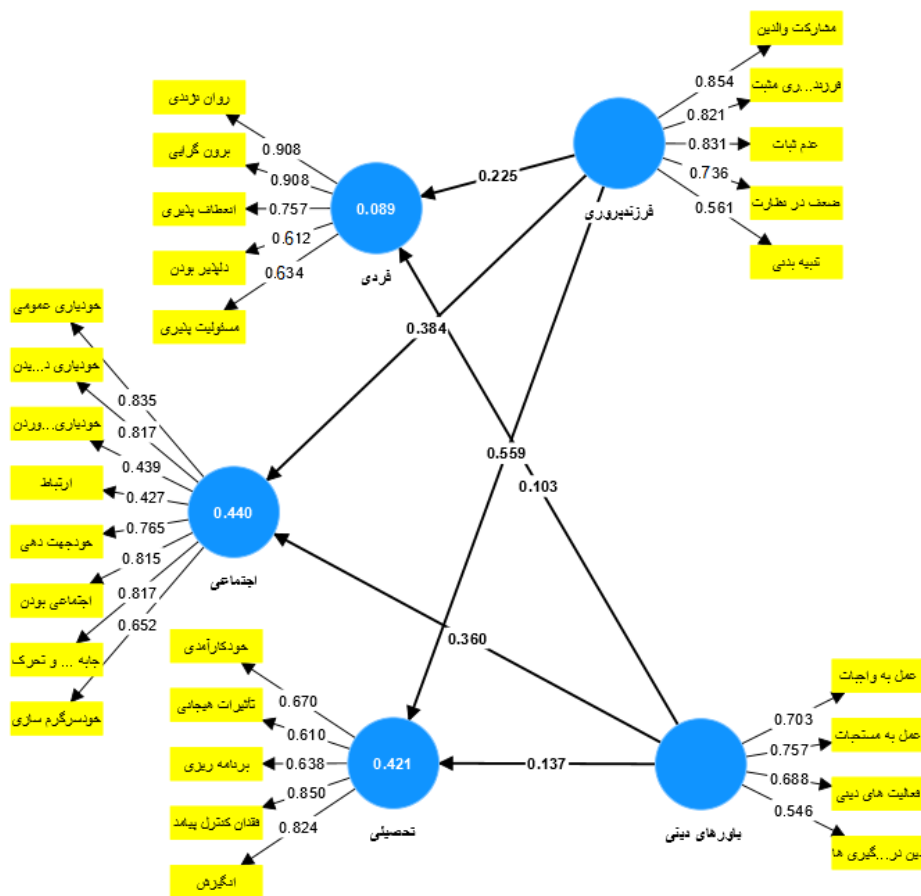
در این پژوهش از دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی از جداول و نمودارهای توصیفی برای بیان ویژگی‌های دموگرافیک و توصیفی پژوهش استفاده شد. از شاخص‌های کشیدگی و چولگی به منظور بررسی توزیع داده‌ها (طبیعی و یا غیرطبیعی بودن) استفاده و برای بررسی و پاسخ به سؤالات پژوهش و رسم و تدوین مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۴ و Smart PLS نسخه ۲/۰ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش و تحلیل

برای تعیین نرمالیتیه داده‌ها از چولگی و کشیدگی استفاده شد. نتایج نشان داد که چولگی بین ۳ و ۳- و کشیدگی بین ۵ و ۵- قرار ندارد. تعداد نمونه‌های پژوهش بیشتر از ۲۰۰ نفر می‌باشد و به ازای هر متغیر، ۳ گویه وجود دارد؛ اما با توجه به آنکه توزیع داده‌ها غیرطبیعی می‌باشد، بنابراین اجازه استفاده از نرم‌افزارهای کواریانس محور وجود ندارد و باید از نرم‌افزار واریانس محور (PLS) استفاده گردد. برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود و پایایی خود از سه طریق بررسی ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و پایایی اشتراکی صورت می‌پذیرد. مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، ۰/۴ می‌باشد. برای تمامی سؤال‌ها، ضرایب بارهای عاملی سؤالات از ۰/۴ بیشتر است که نشان از مناسب بودن این معیار دارد (کرسول، ۲۰۰۵). در اینجا هیچ‌یک از سؤال‌ها حذف نگردید. مقدار مربوط به آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرها در همه متغیرها، بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که حاکی از پایایی مناسب مدل دارد. در این تحقیق پایایی متغیرها در حد مطلوب قرار دارد. از آنجاکه پایایی تأیید می‌شود می‌توان به بررسی فرضیات توسط معادلات ساختاری پرداخت و نتیجه قابل تعمیم به کل جامعه

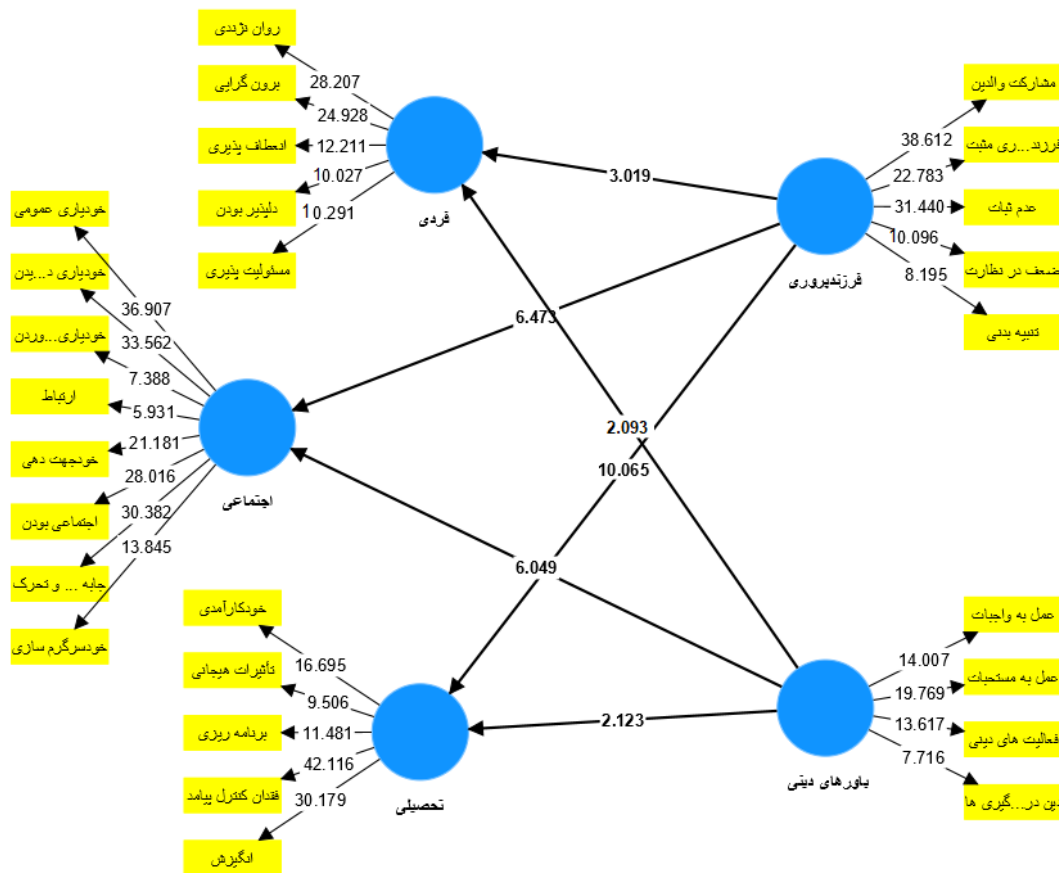
^۱. Hair

مورد نظر می‌باشد. معیار دوم از بررسی مدل‌های اندازه‌گیری، روایی همگرا است که به بررسی همبستگی هر متغیر با سؤالات (شاخص-ها) خود می‌پردازد. با توجه به روش فورنل و لارکر که مقدار مناسب برای AVE را ۰/۴ به بالا معرفی کرده‌اند. برای تمامی متغیرها، مقدار AVE بیشتر یا مساوی ۰/۴ می‌باشد. روایی واگرا سومین معیار بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که در این پژوهش در هر دو بخش روش اول (سؤالات مربوط به هر متغیر نسبت به خود آن متغیر همبستگی بیشتری دارند تا نسبت به متغیرهای دیگر) و دوم (معیار مهم دیگری که با روایی واگرا مشخص می‌گردد، میزان رابطه یک متغیر با سوا لانش در مقایسه رابطه آن متغیر با سایر متغیرهاست)، به‌طوری‌که روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک متغیر در مدل تعامل بیشتری با سؤالات خود دارد تا با متغیرهای دیگر. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر متغیر بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن متغیر و متغیرهای دیگر در مدل باشد) مورد تأیید قرار گرفت. بعد از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری نوبت به برازش مدل ساختاری پژوهش می‌رسد. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، بخش مدل ساختاری برخلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به سؤالات (متغیرهای آشکار) کاری ندارد و تنها متغیرهای پنهان همراه با روابط میان آن‌ها بررسی می‌گردد.



شکل ۱. مدل اندازه‌گیری

برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش از چندین معیار استفاده می‌شود که اولین و اساسی ترین معیار، ضرایب معنی داری t یا همان مقادیر t -values می‌باشد. در صورتی که مقدار این اعداد از ۰/۹۵ بیشتر شود، نشان از صحت رابطه‌ی بین متغیرها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۱/۹۶ است. البته باید توجه داشت که اعداد فقط صحت رابطه را نشان می‌دهند و شدت رابطه بین متغیرها را نمی‌توان با آن سنجید.



شکل ۲. ضرایب معنی داری t (مقادیر t-values)

مقدار R^2 برای متغیرهای برونزا یا مستقل برابر صفر است. در این قسمت، مقدار R^2 برای دو متغیر فاکتورهای اجتماعی و تحصیلی برابر با مقدار متوسط و برای فاکتورهای فردی، برابر با مقدار وی می باشد. مقدار Q^2 : این معیار برای سه متغیر درونزای مدل بیشتر از ۰/۱۵ می باشد که این نشان می دهد که متغیر برونزا (مستقل) در پیش بینی متغیر وابسته، متوسط هستند و برازش مناسب مدل ساختاری پژوهش را تا حدودی بار دیگر تأیید می سازد.

برازش مدل کلی: مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه گیری و ساختاری می شود و با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می شود. با توجه به سه مقدار ۰/۲۵، ۰/۳۶ و ۰/۳۶ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است (هیر، ۲۰۱۲)، در هر ۳ متغیر، مقدار بیشتر از ۰/۳۶ به دست آمد که نشان از برازش کلی قوی مدل دارد. در ادامه به بررسی روابط موجود در مدل پژوهشی پرداخته می شود.

جدول ۱. روابط موجود در مدل پژوهش

روابط موجود در مدل پژوهش	ضرب مسیر	مقدار T-VALUE	سطح معنی داری	نتیجه
سبک فرزند پروری بر عوامل فردی	۰/۲۲۶	۳/۰۱۹	۰/۰۰۱	تأیید
سبک فرزند پروری بر عوامل اجتماعی	۰/۳۸۴	۶/۴۷۳	۰/۰۰۱	تأیید

سبک فرزند پروری بر عوامل تحصیلی	۰/۵۵۹	۱۰/۰۶۵	۰/۰۰۱	تأیید
باورهای دینی بر عوامل فردی	۰/۱۰۳	۲/۰۹۳	۰/۰۰۱	تأیید
باورهای دینی بر عوامل اجتماعی	۰/۳۶۰	۶/۰۴۹	۰/۰۰۱	تأیید
باورهای دینی بر عوامل تحصیلی	۰/۱۳۷	۲/۱۲۳	۰/۰۰۱	تأیید

با توجه به جدول فوق، مقدار T-Value همه روابط موجود در مدل پژوهش بیشتر از ۲/۵۸ می‌باشد بنابراین در سطح ۰/۹۹، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های فرزند پروری و عمل به باورهای دینی خانواده‌ها بر ویژگی‌های فردی (۰/۲۳ و ۰/۱۰) و اجتماعی (۰/۳۸ و ۰/۳۶) و تحصیلی (۰/۵۶ و ۰/۱۴) دانش آموزان تأثیرگذار است. بدین صورت که هر چه سبک‌های فرزند پروری والدین، از سبک استبدادی به سمت سبک اقتدار منطقی، عملکرد تحصیلی، اجتماعی و تحصیلی دانش آموزان بهتر می‌شود و از سوی دیگر، هر چه باورهای مذهبی دانش آموزان بهتر باشد، عملکرد تحصیلی، اجتماعی و تحصیلی دانش آموزان بهتر می‌شود.

نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزند پروری بر ویژگی‌های فردی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی داری دارد، این نتیجه با نتایج بختیاری و همکاران (۱۳۹۵)، شجری و همکاران (۱۳۹۸) همسو است. در این راستا بختیاری و همکاران (۱۳۹۵) اظهار کردند که سبک اقتدار منطقی با سلامت روان دانش آموزان شهر کرمانشاه ارتباط معنی داری دارد. شجری و همکاران (۱۳۹۸) دریافتند که فرزند پروری به صورت منطقی با بلوغ عاطفی و بهبود شرایط خلقی دانش آموزان همراه است. نتایج پژوهش نشان داد که عمل به باورهای دینی خانواده‌ها بر ویژگی‌های فردی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی داری دارد. این نتیجه با نتایج رضوی و همکاران (۱۳۹۴) همسو است. نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزند پروری بر ویژگی‌های اجتماعی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی داری دارد. این نتیجه با نتایج ثابت خواه فومنی و همکاران (۱۳۹۸)، نعمتی و ناشی و همکاران (۱۳۹۷)، کلانتری و همکاران (۱۳۹۵) و جی هانگ و همکاران (۲۰۱۷) همسو است. نتایج پژوهش نشان داد که عمل به باورهای دینی خانواده‌ها بر ویژگی‌های اجتماعی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی داری دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش تیموری و همکاران (۱۳۹۷) همسو است. نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزند پروری بر ویژگی‌های تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی داری دارد. این نتیجه با نتایج خجسته و همکاران (۱۳۹۸)، اسمیز و همکاران (۲۰۲۰) و سروس و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. نتایج پژوهش نشان داد که عمل به باورهای دینی خانواده‌ها بر ویژگی‌های تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی داری دارد. این نتیجه با نتایج خجسته و همکاران (۱۳۹۸)، برجیان و همکاران (۲۰۲۰)، استرادا (۲۰۱۹)، عاشوری و همکاران (۲۰۱۶) و زوبایرو و همکاران (۲۰۱۶) همسو است، این پژوهشگران اعتقاد دارند که باورهای دینی باعث بهبود عملکرد تحصیلی می‌شود.

پاسخ به سؤال های پژوهش

نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزند پروری بر ویژگی‌های فردی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی داری دارد، در این زمینه می‌توان اظهار کرد که کودکان و نوجوانانی که والدین آنان روش مقتدرانه را به کار می‌برند از مهارت‌های روانشناختی بالا تر همچون اعتماد به نفس، هوش هیجانی بیشتر و سلامت روان (راستا بختیاری و همکاران (۱۳۹۵) بالاتری برخوردارند و فعالیت‌های موثرتر و مفیدتری را انجام می‌دهند زیرا به دلیل حاکم بودن فضای عاطفی و روابط محترمانه میان پدر و مادر و فرزندان، زمینه برای رشد و

شکوفایی فرزندان مهیا می شود، والدینی که دارای سبک اقتدار منطقی هستند کنترل ثابتی را برای فرزندانشان اعمال کرده و استقلال فرزندان را تشویق می کنند. در تاکید بر قوانین و اهمیت فرمانبرداری و اطاعت فرزندان ثابت قدم هستند، رفتارهای رشد یافته از فرزندان انتظار دارند و در عین حال حقوق فرزندان را به رسمیت می شناسند، فرزندان خود را به صراحت و روشنی راهنمایی کرده و نظم و انضباط تربیتی آنها توأم با گرمی منطقی و انعطاف پذیری و گفت و شنود کلامی است (تورنر^۱ و همکاران، ۲۰۰۵)، این ویژگی ها باعث بهبود ابعاد شخصیتی همچون برون گرایی، توافق و وظیفه شناسی دانش آموزان شده و آنها را در قبال عملکرد تحصیلی و اجتماعی، مسئولیت پذیر و پاسخگو می کند. در عین حال این والدین با نیازهای رشدی فرزندان سازگار هستند و ارزش زیادی به رشد خود مختاری می دهند. در این سبک والدین فرصت هایی به نوجوان می دهند برای آنکه آنها را در تصمیم گیری و استقلال نیرومند کنند، لذا فرزندان فرصت کافی و محیط مناسب را برای رشد ویژگی های فردی خویش در اختیار دارند. لذا حرکت به سمت فرزندپروری مقتدرانه و منطقی و آموزش والدین در این زمینه می تواند زمینه بهبود ویژگی های شخصیتی فرزندان، به عنوان آینده سازان جوامع را فراهم نماید.

نتایج پژوهش نشان داد که عمل به باورهای دینی خانواده ها بر ویژگی های فردی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی داری دارد. در این راستا می توان گفت که به اعتقاد بورديو سرمایه مذهبی (دینداری) سرمایه مؤثری در جامعه است، چنانکه گفتنی است این سرمایه، سبک زندگی (رفتارها و نگرش های مختلف) افراد دیندار را از افراد کم تر دیندار متمایز می کند. با این حال و به طور کلی نحوه تعامل والدین با فرزندان می تواند بر رفتار فرزندان و شکل گیری شخصیت آنان تأثیر گذار باشد، با چنین پیش فرضی می توان گفت نظام تربیتی خانواده بر گرایش دینی فرزندان نیز نقش تعیین کننده ای خواهد داشت. با این حال و به طور کلی توجه و پایبندی به مذهب می تواند زمینه ساز توسعه تعهد در افراد شود و این تعهد و خدا باوری در بطن خانواده می تواند زمینه افزایش تاب آوری و بهبود ویژگی های فردی را فراهم آورد. لذا برنامه ریزی و تلاش بیشتر از سویی سازمان های فرهنگی برای بهبود فضای مذهبی خانواده ها و استفاده مناسب از مزایای فضای مجازی، رسانه ها و نیروی انسانی مدارس می تواند در این زمینه راه گشا باشد.

نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزند پروری بر ویژگی های اجتماعی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی داری دارد، در این راستا بامریند (۱۹۹۱) نیز بیان می کند که والدین قاطع بچه هایی دارند که اغلب سازگار هستند، خوشرو، مسئولیت پذیر و متکی به خود هستند و جهت گیریشان به سمت پیشرفت می باشد. آنها وقتی به سن نوجوانی می رسند به طور قاطعانه رفتار می کنند و خونگرم و اجتماعی می شوند. بامریند (۱۹۹۹) همچنین بیان می کند کودکانی که والدین مقتدر داشتند از رشد خوبی برخوردار بودند، در تکالیف جدید اعتماد به نفس داشتند و کمتر رفتار جنبشی قالبی از خود نشان می دادند. در طرف مقابل والدینی که از شیوه استبدادی استفاده می کنند از ترکیب سبک درخواست کنندگی، کنترل بالا و پذیرندگی و پاسخ دهندگی پایین ترکیب شده اند. در این شیوه والدین قوانین خاصی اعمال می کنند و از بچه ها انتظار دارند تا از آن قوانین بدون هیچ توضیحی اطاعت کنند و در مورد اینکه چرا بچه ها باید قوانین را اطاعت کنند توضیح کمی می دهند، این گروه از تکنیک های قهری استفاده می کنند. بکاتکو و داهلر (۱۹۹۵) بیان کردند که این

^۱ Turner

والدین غیر حمایت کننده هستند و به استقلال بچه ها اهمیت نمی دهند. بامریند (۱۹۹۹) نیز بیان می کند که فرزندان با والدین استبدادی گرایش به بد اخلاقی دارند و به ظاهر غمگین هستند، تحریک پذیرند، بدون هدف هستند و نظرشان نسبت به جهان اطراف خوشایند نیست. این بچه ها غالباً دچار تعارض بوده و نوسان خلقی دارند (الهام کیا و همکاران، ۱۳۹۶). این عوامل باعث می شود تا ویژگی های فردی و سازگاری اجتماعی این فرزندان تحت تأثیر قرار گیرد و عملکرد خوبی در زمینه سازگاری اجتماعی از خود نشان ندهند. بنا- براین نتایج پژوهش حاضر منطقی به نظر می رسد.

نتایج پژوهش نشان داد که عمل به باورهای دینی خانواده ها بر ویژگی های اجتماعی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی داری دارد، به اعتقاد بورديو باورهای مذهبی مسئولیت ثبات اخلاقی را به عهده دارد و از ارزش های فرهنگ عمومی مراقبت می کند. در نظریه پارسونز، نهاد دینی، که مسئولیت ثبات اخلاقی جامعه را بر عهده دارد و از ارزش های فرهنگی مراقبت می کند، جزء عواملی است که نگرش افراد و به تبع آن کنش اجتماعی او را تحت تأثیر قرار می دهد؛ به عبارت دیگر، ارزش های مذهبی به مثابه نظامی ارزشی، راه های خاص و نحوه نگرش را در موقعیت های ویژه به شخص نشان می دهند (وثوقی و دائمی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). افزون بر این، بر اساس پژوهش های انجام گرفته تمایلات معنوی و مذهبی بودن باعث افزایش بهزیستی روان شناختی، سلامت روان (هالز^۱، ۱۹۹۹)، تحمل حوادث فشارزای زندگی (بانگ^۲ و همکاران، ۲۰۰۷)، و مصونیت بیش تر در برابر تنش و بهبود روابط بین افراد خانواده می گردد (گراهام^۳ و همکاران، ۲۰۰۱). از سویی حضور در برنامه های مذهبی و نهادهای مذهبی این ایده را تبلیغ می کنند که روابط مثبت و حسنه در میان اعضای خانواده و افراد جامعه امری قابل تحسین و ستودنی است. نهادهای مذهبی از مکانیزم هایی استفاده می کند که از آن طریق به حمایت رسمی از افراد و خانواده ها می پردازند. تشکل های مذهبی بیشتر فعالیت ها را برای تقویت تعامل و روابط مثبت میان اعضای جامعه سازمان دهی می کنند. از یک سو آنها از طریق حضور در مراکز مذهبی، اوقاتی را با همه می گذرانند و از طرف دیگر با ایجاد اردوگاه های خانوادگی به ارائه کمک های مشورتی، آموزش و پرورش و ... مبادرت می ورزند و فرصت های پیوند بین افراد را تقویت می نمایند. سومین مجموعه از مکانیزم ها، شامل نقش مذهب در ایجاد و فروبستگی در رابطه ای اجتماعی از طریق متصل کردن دوستان و اعضای خانواده در یک گروه اجتماعی همانند است؛ یعنی اتصال و هم بستگی بین اجزاء و عناصر یک مجموعه و نقش دین در این اتصال است. به نظر می رسد اعضای خانواده هایی که در نهادهای مذهبی همانندی شرکت دارند، احتمالاً یک سری روابط اجتماعی با سایر اعضای آن نهاد مذهبی پیدا می کنند. «کلمن، عنوان می کند که دین فروبستگی شبکه های اجتماعی، روابط والدین و فرزندان را تقویت می کند. به طوری که آن روابط اجتماعی را افزایش داده، روابط خویشاوندی مثبت تری را نیز بهبود می بخشد.

نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزند پروری بر ویژگی های تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی داری دارد، در این راستا بامریند (۱۹۹۱) نیز بیان می کند که والدین قاطع بچه هایی دارند که اغلب سازگار هستند، خوشرو، مسئولیت پذیر و متکی به خود

^۱ Hales

^۲ Yang

^۳ Graham

هستند و جهت گیریشان به سمت پیشرفت می باشد. آنها وقتی به سن نوجوانی می رسند به طور قاطعانه رفتار می کنند و هدف گرا می شوند. بامریند (۱۹۹۹) همچنین بیان می کند فرزندان که والدین مقتدر داشتند در تکالیف جدید اعتماد به نفس داشته و کمتر رفتار جنبشی قالبی از خود نشان می دادند. از سویی والدین سهل گیر محدودیت خیلی کمی را برای فرزندان شان اعمال می کنند، در تاکید بر قوانین و معیارهای رفتاری سست هستند، به ندرت از فرزندان خود انتظار دارند که در کارهای روزمره خانواده شرکت کنند و به ندرت رفتار آنها را هدایت می کنند. با وجود این در گرم بودن و پاسخگو بودن بالا هستند و اجازه می دهند فرزندان شان رفتارهای خودشان را تنظیم کنند و به ندرت آنها را تنبیه می کنند. این والدین از نظر سبک پذیرندگی - پاسخ دهنده گی در سطح بالا هستند، اما در سبک درخواست کنندگی و کنترل پایین هستند. آنها نسبت به رفتار بچه ها بسیار اغماض کننده اند و رفتار فرزندان شان کمتر حالت کنترل کنندگی دارند، آنها بسیار اغماض کننده اند و در رفتار فرزندان شان کمتر حالت کنترل کنندگی دارند، آنها بچه هایشان را تشویق می کنند تا احساسات و انگیزه هایشان را توضیح دهند. یکی از ویژگی های این والدین فقدان تنظیم قوائد و قوانین در خانه می باشد. آنها برای فرزندان شان حمایت کننده نیستند (پالمر، ۱۹۹۷)، این والدین گرایش دارند که روش معتدل سرد و یا غیر مشارکتی داشته باشند. بامریند (۱۹۹۱) دریافت که بچه هایی که والدین سهل گیر دارند اغلب تکانشی و پرخاشگر هستند. به ویژه اگر پسر باشند، آنها گرایش به ریاست طلبی و خودمداری و تمرد دارند. اغلب بی هدف هستند و استقلال و پیشرفت بسیار کمی دارند و خود کنترلی و اعتماد به نفس در آنها کم می باشد و نشانه هایی از استقلال و مسئولیت پذیری ندارند (باکاتکو، ۱۹۹۵). فرزندان والدین آسانگیر در کنترل تکانه های خود مشکل دارند و اغلب نافرمانی و سرکشی دارند. نوجوانی که به این شیوه پرورش می یابد کمتر در برنامه های آموزشی مدرسه مشارکت دارند و رفتارهای پرخطر بیشتری دارند. با این حال چنین استباط می شود که این شیوه باعث می شود تا والدین از مسئولیت تربیتی خود غافل بمانند. در این راستا افزایش آگاهی والدین از عواقب و نتایج آسان گیری بر فرزندان و استفاده از سبک سهل گیرانه می تواند زمینه کاهش استفاده از این شیوه را به همراه داشته باشد.

نتایج پژوهش نشان داد که عمل به باورهای دینی خانواده ها بر ویژگی های تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی داری دارد، این پژوهشگران اعتقاد دارند که باورهای دینی باعث بهبود عملکرد تحصیلی می شود. در این راستا می توان گفت که دین باوری و اعتقادات مذهبی در ابعاد مختلف زندگی انسان نقش بسزایی دارد و اساساً دین به عنوان یک نظام اخلاقی، اجتماعی و ... شکل دهنده روابط و اعمال انسانی در طول زندگی وی می باشد و تأثیر مستقیمی در شیوه زندگی و طبعاً رشد و پیشرفت و یا پسرفت و زوار خواهد داشت. بنابراین افرادی که از دین باوری بیشتر بهره می برند به نوعی نظام های اخلاقی و اجتماعی مستحکم تر و قانونمندتری نسبت به سایرین دارند و لذا در جهت تعالی همه جانبه آن بر اساس معیارهای دینی تلاش و تکاپوی بیشتر و راسخ در در کنار هدفمندی بهتر و بهره مندی از بنیان های اعتقادی قوی تر از خود نشان می دهند در نتیجه در تمامی امور زندگی از جمله درسی، پیشرفت و موفقیت بهتری خواهند داشت. از بعد دیگری نیز افرادی که دین باوری بیشتری دارد از بسیاری از اموری که مانع پیشرفت عوارض زوال و نابودی می شود و اصولاً در این اعمال خلاف نامیده می شود دوری می جویند. بنابراین باید توجه ویژه ای به تقویت و پرورش دین باوری در دانش آموزان صورت بگیرد تا بتوانند نظام های اخلاقی و اجتماعی خود را گسترش دهند و به درس و پیشرفت علمی اهتمام ورزند که این فرایند بهتراست از سنین کم و در پایین ترین آموزش یعنی دوران کودکی شروع شود تا دین باوری در کودک نهادینه گردد و تأثیر خود را به خوبی ایفا کند. به طور کلی هدف از پژوهش حاضر بررسی سبک فرزند پروری و عمل به باورهای دینی

خانواده ها بر ویژگی های فردی، اجتماعی و تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه بود و بر اساس نتایج بدست آمده بهبود باورهای مذهبی در سطح جامعه و همچنین آموزش سبک اقتدار منطقی به والدین و گرایش دادن آنها به اتخاذ چنین سبک تربیتی می تواند زمینه بهبود ویژگی های فردی و اجتماعی و تحصیلی دانش آموزان فراهم آورد. در شرایط همه گیری ویروس کرونا دسترسی به دانش آموزان به دلیل حضور در منزل و استفاده از برنامه شاد به منظور ادامه روند آموزش، از محدودیت های این پژوهش بود. همچنین تعداد بالای سؤالات پژوهش نیز روند جمع آوری اطلاعات را دشوار ساخت.

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر سبک زندگی بر رفتار دانش آموزان بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک های فرزند پروری و عمل به باورهای دینی خانواده ها بر ویژگی های فردی (۰/۲۳ و ۰/۱۰) و اجتماعی (۰/۳۸ و ۰/۳۶) و تحصیلی (۰/۵۶ و ۰/۱۴) دانش آموزان تأثیرگذار است. بدین صورت که هر چه سبک های فرزند پروری والدین، از سبک استبدادی به سمت سبک اقتدار منطقی، عملکرد تحصیلی، اجتماعی و فردی دانش آموزان بهتر می شود و از سوی دیگر، هر چه باورهای مذهبی دانش آموزان بهتر باشد، عملکرد تحصیلی، اجتماعی و فردی دانش آموزان بهتر می شود.

منابع

- ابراهیم آبادی، حیدر. (۱۳۸۸). تأثیر دو روش مبتنی بر وب و آموزش به روش سنتی بر یادگیری و انگیزه پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- احمدی برگانی، فرشته. (۱۳۹۶). رابطه سبک های تربیتی والدین با سازگاری تحصیلی و سلامت روان دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان داراب، کنگره ملی توانمندسازی جامعه در حوزه مشاوره، خانواده و تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت های فرهنگی و اجتماعی جامعه،
- امینی، شهریار (۱۳۸۷). بررسی نقش خودکارآمدی، خودتنظیمی و عزت نفس در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال سوم دبیرستان، رشته علوم تجربی شهرستان شهرکرد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- برک، لورا. (۲۰۰۷). روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی)، ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ارسباران.
- بلاغت، رضا، احمدی، هادی و گلزاری مقدم، نجمه. (۱۳۹۵). بررسی رابطه جهت گیری مذهبی و هوش اخلاقی با تعهد زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان. فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی، ۱۰(۲۳)، ۱۸۷-۲۰۸
- تنهای رشوانلو، ف و حجازی. (۱۳۸۸). ارتباط ادراک از سبک فرزند پروری والدین با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دبیرستانی، دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار، ۱۶ (۱)، ۳۹، ۴.
- ثابت خواه فومنی، صدیقه؛ عباس اخوان خدا شهری و سمیه فرج پور کمسری. (۱۳۹۸). نقش سبک های فرزند پروری مادران در پیش بینی مهارت های اجتماعی دانش آموزان پایه ششم دختر شهرستان فومن، دومین همایش ملی علمی پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی، شیروان، موسسه پژوهشی رهجویان پایا شهر اترک و مجله علمی تخصصی پایا شهر

- جاسم نژاد، منیژه. (۱۳۹۸). رابطه ادراک خدا و نگرش مذهبی با رضایت از زندگی در دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر اهواز، پنجمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم اجتماعی و علوم تربیتی و روانشناسی، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس
- خجسته، سعیده و مجید امان الهی خبیصی. (۱۳۹۸). رابطه پایبندی مذهبی و رشد اخلاقی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، شیراز، دانشگاه پیام نور استان فارس-مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران (متانا)
- خدایاریفرد، محمد و همکاران. (۱۳۸۸). طرح آماده‌سازی مقیاس دین‌داری و ارزیابی سطوح دین‌داری اقشار مختلف جامعه‌ی ایران، دانشگاه روانشناسی و علوم تربیتی.
- خسروی، معصومه. حکیمی نصرآبادی، سمانه السادات. (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های فرزند پروری والدین و اعتیاد به اینترنت با اختلالات یادگیری در دانش آموزان. تحقیقات و فناوری، دروه ۲، شماره ۱: ۳۵-۴۵.
- دبیری، سولماز، دلاور، علی، صرامی، غلامرضا. (۱۳۹۰). نقش پیش‌بینی کننده سبک‌های فرزند پروری و حرمت خود در شادکامی دانشجویان. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۷(۲۰): ۱-۱۶.
- رضوی، انسیه؛ خدیجه بارانی و مهدی شریفی. (۱۳۹۴). رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با کارکرد خانواده و شادکامی در بین دانش آموزان دبیرستانی، کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در علوم تربیتی و روانشناسی و آسیب‌های اجتماعی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین و مرکز مطالعات و تحقیقات
- شجری، خدیجه. حجازی، مسعود. (۱۳۹۸). نقش میانجی سازگاری تحصیلی در رابطه بین سبک‌های فرزند پروری والدین با بلوغ عاطفی و ناگوایی خلقی در دانش آموزان دختر شهر زنجان، دو فصلنامه راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی ۶(۲): ۵۶-۶۷
- شولتز، الن و سیدنی (۱۳۸۸). نظریه‌های شخصیت. ترجمه سید یحیی محمدی، نشر هما، تهران.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۹۱). شخصیت و جامعه‌شناسی زنان و خانواده. تهران، شرکت سهامی انتشار.
- صاحبی، علی. (۱۳۸۸). رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش هیجانی. پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
- علوی اعلاء، سید مرتضی. (۱۳۹۳). بررسی نقش سبک‌های تربیتی خانواده هابستنی و مدرن بر عملکرد تحصیلی فرزندان، فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی ۲ (۱۴)
- کارتلیج، جی و میلبرن، اف. (۱۳۸۷). "آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان". ترجمه محمدحسن نظری نژاد، مشهد؛ انتشارات قدس رضوی.
- نعمتی وناشی، رویا و رضا نعمتی وناشی. (۱۳۹۷). بررسی رابطه سازش یافتگی دوتایی (والدین) و سبک‌های فرزند پروری والدین در سازگاری اجتماعی و عاطفی دانش آموزان مقطع متوسطه، ماهنامه پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری ۳ (۲۳): ۱۱۳-۱۰۲
- نولن هوکسما و همکاران. (۱۳۹۲). زمینه روانشناسی هیلگارد و اتکینسون، ویرایش نهم. ترجمه مهدی گنجی، انتشارات ساوالان.
- زامیاد عباس، یاسمی محمدتقی، واعظی سید احمد. هنجاریابی مقدماتی مقیاس رفتار انطباقی و اینلند در جمعیت شهری و روستایی شهر کرمان. مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۱۳۷۵؛ ۲ (۴): ۴۴-۵۵

- سروقند، سیروس، برزگر، مجید، بلاغی، طاهره. (۱۳۹۰). رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با ابعاد کمال‌گرایی و شیوه‌های مقابله با استرس در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد مرودشت. جامعه‌شناسی زنان، ۲(۳): ۸۱-۱۰۲.
- صدر محمد مهرداد، خادم الرضا نوشین، اخباری سحرناز، علمائی مرضیه، هاشمیان سیدسپهر. ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری. مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۱۳۹۷؛ ۲۴(۱): ۸۰-۹۱.
- فکور، الهام، پيله‌ورزاده، مطهره، شمسی، افضل، قادری، مصعب. (۱۳۹۴). ارتباط باورهای مذهبی با عزت نفس در دانشجویان، مجله علوم پزشکی زانکو، تابستان، ۶۰-۵.
- Esfandiyar B, Khashabi J, Amanpour E, Azimi N. Relationship between Spiritual Well-being, Religion, and Hope among Patients with Cancer. Hayat, Journal of Faculty of Nursing and Midwifery. ۲۰۱۱; ۱۷(۳):۲۷-۳۷.
- Fuentes-Balderrama, J. del Castillo, C. C. García, A. O. Loving, R. D. Plaza, B. T. & Cardona, J. R. P. (2020). The Effects of Parenting Styles on Internalizing and Externalizing Behaviors: A Mexican Preadolescents Study. *International Journal of Psychological Research*, 13(1), 9-18.
- Ghafouri, S. Hassanabadi, H. Mahram, B. & Ghanbari Hashem Abady, B.A. (2011). A Survey on Effects of Forgiveness Method Based on Spiritual-Religious Therapies in Reduce Marital Conflict. *Journal of Modern Psychological Studies*; 6(24):123-142.
- Ghani, F. B. A. Kamal, S. L. A. & Aziz, A. A. (2014). The implication of parenting styles on the akhlak of Muslim teenagers in the south of Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 114, 761-765
- Gwin, S. Branscum, P. Taylor, L. Cheney, M. Maness, S. B. Frey, M. & Zhang, Y. (2020). The relationship between parent-young adult religious concord and depression. *Journal of Spirituality in Mental Health*, 22(1), 96-110.
- Hales, D. (1999). *An invitation to health*. Pacific grove, CA: brooks/cole publishing company. U.S.A.
- Hardy, S. A. Dollahite, D. C. & Baldwin, C. R. (2019). Parenting, religion, and moral development. *The Oxford Handbook of Parenting and Moral Development*, 179.
- Haslam, D. Poniman, C. Filus, A. Sumargi, A. & Boediman, L. (2020). Parenting style, child emotion regulation and behavioral problems: The moderating role of cultural values in Australia and Indonesia. *Marriage & Family Review*, 1-23.
- Patreka evraret. Evelin, obdecam. (2017). The relationship between motivation, learning approaches, academic performance and time spent. *Accounting Education*. Volume 26, ۲۰۱۷ – □□□□□ □
- Roxana Dev, R. D. O. Kamalden, T. F. T. Geok, S. K. Abdullah, M. C. Ayub, A. F. M. & Ismail, I. A. (2018). Emotional Intelligence, Spiritual Intelligence, Self-Efficacy and Health Behaviors: Implications for Quality Health. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 8(7), 794-809.
- Seroussi, D. E. & Yaffe, Y. (2020). Links between Israeli College Students' Self-Regulated Learning and Their Recollections of Their Parents' Parenting Styles. *SAGE Open*, 10(1), 2158244019899096.

- Smith, C. P. (2020). *How Do Parenting Styles Influence the Academic Performance of African-American College Students at an HBCU on the East Coast* (Doctoral dissertation, Walden University).
- Turner & Rose & Cooper (2005). Parental bonding and disorder symptoms in adolescents: The mediating role of core beliefs. *Eating Behaviours* 6. 113-118
- Yang, K.P. Mao, X.Y. (2007). A study of nurses' spiritual intelligence: A cross-sectional questionnaire survey. *Journal of Nursing Studies*, 144, 999-1010.
- Ashouri, F. P. & Rasekhi, S. (2016). Correlation between religious beliefs with mental health and academic performance in medical students. *International Electronic Journal of Medicine*, 5(1), 1-6.
- Borji, M. Memaryan, N. Khorrami, Z. Farshadnia, E. & Sadighpour, M. (2020). Spiritual Health and Resilience among University Students: the Mediating Role of Self-Esteem. *Pastoral Psychology*, 69(1), 1-10.
- Estrada, C. A. M. Lomboy, M. F. T. C. Gregorio, E. R. Amalia, E. Leynes, C. R. Quizon, R. R. & Kobayashi, J. (2019). Religious education can contribute to adolescent mental health in school settings. *International journal of mental health systems*, 13(1), 1-6.
- Zubairu, U. M. & Sakariyau, O. B. (2016). The Relationship between Religiosity and Academic Performance amongst Accounting Students. *International Journal of Evaluation and Research in Education*, 5(2), 165-173.
- Hair, J. F. Sarstedt, M. Ringle, C. M. & Mena, J. A. (2011). An assessment of the use of partial least squares structural equation modeling in marketing research. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 40(3), 414–433.